

اوضاع حجاز پیش از ظهور اسلام

خداوند حکیم، حضرت محمد بن عبدالله (صلي الله عليه و آله و سلم) را - که خاتم پیامبران و پایان بخش سلسله رسولان الهی است... -



خداوند حکیم، حضرت محمد بن عبدالله (صلي الله عليه و آله و سلم) را - که خاتم پیامبران و پایان بخش سلسله رسولان الهی است - در زمانی برگزید که جهل و بت پرستی، بیش تر گیتی - به ویژه جزیره العرب - را فرا گرفته بود. در این روزگار، ظلم و ستم زندگی طبقاتی و ستم به طبقات پایین جامعه و مالیات های سنگین و کمرشکن بر توده های ضعیف و فقر فرهنگی و زنده به گور کردن دختران نوزاد در عربستان و سپری کردن عمر به پیکارهای جاهلی و خونریزی های قومی و قبیله ای و برکنار ماندن از قسط و عدل، ابرهای تیره اش را همه جا گسترانیده بود و ملت هایی کاملاً گمراه پدید آمده بودند.

قرآن مجید در آیاتی چند، فضای آن روزگار و وضع ناهنجار آن جامعه را ترسیم و به این نکته گوشزد کرده است که مدت گذاری خداوند در رابطه با بعثت پیامبر (صلي الله عليه و آله و سلم) بر اساس چه انگیزه هایی بوده است. او با برانگیختن پیامبر (صلي الله عليه و آله و سلم) بر جهانیان مدت نهاد (مدت یعنی نعمت بزرگ)؛ زیرا انسانی از جنس آدمیان با برنامه های علمی و حکمت آموز و انسان ساز و پاک و مهذب برانگیخت: لقد من الله علي المؤمنين إذ بعث فيهم رسولا من أنفسهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وإن كانوا من قبل لفی ضلال مبين(1).

فرهنگ عرب جاهلی، چنین بود که هنگام نوید نوزاد دختر، پدر او از شدت خشم و ناراحتی صورتش سیاه می شد و با همین حالت از قوم و قبیله خود به جهت این بشارت بد، متواری و پنهان می شد. او با خود می اندیشید که آیا آن نوزاد دختر را با پذیرفتن ننگ و عار، زنده نگهدارد یا زنده به گورش پنهان کند: وإذا بشر أحدهم بالأنثی ظلّ وجهه مسوداً و هو كظیم * يتواری من القوم من سوء ما بشر به أيمسكه علي هون أم يدسه في التراب ألا ساء ما يحكمون(2).

در آن عصر، جنگ و خونریزی و پیکارهای نامعقول و بی پایه، بیش تر اوقاتشان را به کام خود می کشید و دل هاشان از دشمنی و ستیزه جویی هموعان آکنده بود: ... و اذكروا نعمت الله عليكم إذ كنتم أعداء فألف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخواناً وكنتم علي شفا حفرة من التار فأنذكم منها كذلك يبين الله لكم آياته... (3)؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که دشمنان يك ديگر بودید. پس، میان دل های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید؛ این گونه خداوند نشانه های خود را برای شما روشن می کند.

در آن روزگار، گاهی زنانشان برهنه و عریان بر گرد خانه خدا طواف می کردند و آنان نیز هنگام انجام مراسم کف می زدند و صوت می کشیدند و این کردار زشت را عبادت می شمردند: و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاءً و تصديّة... (4).

تمدن آن روز عرب، چنان به انحطاط گراییده بود که جهان عرب را در شمار عقب افتاده ترین ملتها قرار داده بود. سلاطین و کشورگشایان رغبتی به تسخیر این ریگستان و قوم وحشی یا نیمه وحشی نداشتند و مقرون به صرفه نمی دیدند که يك بیابان خشک و بی آب و علف و شوره زاری را زیر سلطه و فرمان خویش آورند.

حضرت علي (عليه السلام) که نزدیک ترین و آشناترین انسان به فرهنگ بی سامان و تاریک آن زمان است، چهره زیبایی فرهنگ اسلام و صفات درخشان پیامبر خاتم (صلي الله عليه و آله و سلم) و گوشه هایی از فضای سیاه و وحشتناک عرب جاهلی را این سان بازگو می فرماید:

خداوند - تعالی - در حالی حضرت محمد (صلي الله عليه و آله و سلم) را نذیر و ترساننده بر جهانیان و امین بر تنزیل خود قرار داد که شما ای گروه عرب، پیرو بدترین کیش ها بودید و در بدترین جایگاه به سر می بردید. در زمین های سنگلاخ و میان مارهایی پر از زهر - که از صدا نمی رمیدند و مانند این که کر بودند - اقامت داشتید و آب سیاه لجن را می آشامیدید و غذای خشن (مانند آرد جو پرسبوس و آرد هسته خرما و سوسمار) می خوردید و خون يك ديگر را می ریختید و از خویشاوندان دوری می گزیدید و بتها در میان شما نصب شده بود و از گناهان اجتناب نمی کردید: ... إن الله بعث محمداً (صلي الله عليه و آله و سلم) نذيراً للعالمين و أميناً علي التنزيل و أنتم معشر العرب علي شر دين و في شر دار منيخون بين حجارة خشن و حیات صم... (5).

خداوند - تعالی - پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) را در زمانی مبعوث فرمود که هیچ يك از پیامبران باقی نمانده بودند؛ هنگامی که دسته های گوناگون مردم در تاریکی جهالت و گمراهی طولانی به خواب رفته و فتنه ها در سرتاسر گیتی برپا شده و کارها در هم و بر هم، و آتش جنگ ها افروخته، و نور و روشنایی پنهان، و نادرستی های آن آشکار، و نشانه های هدایت و رستگاری محو و نابود، و پرچم های هلاکت و بدبختی آشکار شده بود و دنیا با منظره بدی به اهلش می نگریست و ثمره اش فساد و تبه کاری، و طعامش گوشت مردار، و شعارش خوف و ترس، و رویه اش شمشیر بود: أرسله علي حين فتره من الرسل و طول هجعة من الأمم و اعتزام من الفتن و انتشار من الأمور و تلظي من الحروب، و الدنيا كاسفة التور، ظاهرة الغرور... (6).

1. سوره آل عمران، آیه 164.

2. سوره نحل، آیات 58 - 59.

3. سوره آل عمران، آیه 103.
 4. سوره انفال، آیه 35.
 5. نهج البلاغه، خطبه 26.
 6. نهج البلاغه، خطبه 89.
- وحي و نبوت، ص 385-382